

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

جمعی از اعضای سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)
۲۴ جون ۲۰۲۴



تداوم انقیاد، تسلیم طلبی و خیانت "اعلامیه ویژه" نویسان تحت نام و آرم «ساما» (۹)

خیانت تاریخی

به استثنای جامعه اشتراکی آغازین، در ادوار تاریخ، جامعه انسانی متشکل از طبقات و اقشار اجتماعی بوده است. برخی از این طبقات رجعتگرایی و به گذشته تاریخ تعلق دارند، برخی وضع استقرار یافته موجود و ایستایی را می ستایند و برخی دیگر بالنده اند و به سوی حرکت تاریخ می شتابند. به تبع آن، نمایندگان سیاسی و اندیشه های سیاسی، فلسفی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی در نقش ایدئولوژی مدافع منافع این طبقات، نیز در این یا آن سوی تاریخ قرار دارند: یا به رجعت به گذشته می کوشند، یا در خدمت بازتولید شرایط تداوم و استمرار وضع موجود اند و درکی ایستا و پایا از تاریخ دارند، یا با باور به پویایی و حرکت تکاملی تاریخ، همسو با حرکت تاریخ گام برمی دارند.

منافع طبقاتی

هر یک از طبقات اجتماعی برای ادامه حیات به مثابه یک طبقه یا قشر اجتماعی، به مجموعه ای از زمینه ها، شرایط و ارزش های مادی و معنوی نیاز دارند. مجموع این شرایط و ارزش های مادی و معنوی، منافع طبقاتی و "منافع تاریخی" طبقه معینی را می سازد. وجیهه نمایندگان سیاسی هر طبقه با اتخاذ موضع طبقاتی طبقه معین، در واقع، صیانت از این منافع طبقاتی است. ارزش های مادی هر طبقه، عبارت از سهمی است که از ثروت اجتماعی تقسیم شده در نظام تولیدی دریافت می کند، همراه با چگونگی نقش آن طبقه و دریافت سهم به اضافه نهاد ها و ابزار های به خدمت گرفته شده. وجود عینی هر طبقه اجتماعی به میزان دریافت این سهم وابسته است. ارزش های معنوی هر طبقه

در روبنای اجتماعی شامل اندیشه ها، سنن، فرهنگ، راه و رسم سیاسی، اخلاق، دورنما و ایده آل های اجتماعی هر طبقه است.

طوری که گفته شد، یک سازمان پیشتاز انقلابی در موضع منافع تاریخی توده های کار و زحمت می ایستد، برای تغییر نظامات کهن مبتنی بر مالکیت خصوصی طبقاتی، استثمار و استعمار در جهت تحقق حاکمیت طبقاتی زحمتکشان و برابری نهائی می کوشد و آشکارا اعلام می دارد که در نهایت یک نیروی سیاسی برابری طلب است. بناءً، رسالت یک سازمان انقلابی طبقاتی دفاع از این منافع کلی حال و آتیۀ طبقاتی رنجبران محکوم و رهبری امر سترگ انقلابی تحقق ایده آل بهروزی و سروری آنان است. در وجود احزاب و سازمان های انقلابی، این ارزش های معنوی علاوه از داشته های مادی، شامل اندیشه های فلسفی - اجتماعی، خط مشی، اخلاق انقلابی، تشکیلات و موازین ناظر بر حیات سازمانی همراه با چشم انداز آرمانی می شود.

هر نوع گذشت از این "منافع تاریخی و انقلابی مردم زحمتکش" به سود طبقات و نیرو های سیاسی استثمارگر در نقش دشمنان تاریخی مردم و هر نوع تلاش به سود نیرو های رجعت گرای تاریخ و در جهت بازدارندگی حرکت تاریخ با زیر پا نهادن موارث انقلابی سازمان پیشتاز، "تسلیم طلبی طبقاتی" و در نتیجه، "خیانت تاریخی" نامیده می شود که زنده یاد "قیوم رهبر" آن را "خیانت گردان پیشتاز به موقعیت تاریخی خود" نامیده است. هم در گستره جامعه و هم در یک سازمان انقلابی معروض به انحرافات ایدئولوژیک - سیاسی، "تسلیم طلبی ملی" و "تسلیم طلبی طبقاتی" منحرفان، لازم و ملزوم هم اند، زیرا، "تسلیم طلبی اجتماعی و انقیاد در مقابل بیعدالتی و اجحاف، راه را برای تسلیم طلبی و انقیاد ملی هموار می سازد؛ و انقیاد و تسلیم طلبی ملی فقط بر زمینه تسلیم طلبی اجتماعی رشد می کند و محیط زیست خود را می یابد؛" (رساله تسلیم طلبی از زنده یاد "رهبر")

اشکال خیانت ملی و خیانت تاریخی تسلیم طلبان

- عدم التزام و عدول از اندیشه های رهنمونی یک سازمان انقلابی؛
- عدم تمسک و پایبندی به خط مشی سازمان انقلابی در نظر و عمل؛
- پای نهادن بر ارزش های تشکیلاتی آن با روش های بوروکراتیک و دستورگرائی؛
- کهنه و قرن بیستمی نامیدن سیاست انقلابی یک سازمان پیشرو از موضع سیاست تسلیم طلبانه؛
- عدم تعهد به اسناد معتبر سازمان پیشرو مثل برنامه و آئین نامه در نظر و عمل؛
- تلاش برای زدودن وجه تمایز سازمان پیشتاز انقلابی با دیگران به بهانه "سیاسی شدن جامعه" و "کار دموکراتیک علنی" طبق قوانین ارتجاعی و اسارتبار موضوعه اشغالگران و نظام پوشالی؛
- عمده نامیدن شعار دموکراسی به جای شعار آزادی ملی در یک کشور مستعمره؛
- تلاش برای نابودی و قلب ماهیت سازمان انقلابی و سپردن آن به کام اژدها؛
- تلاش مذبوحانه انقیاد طلبانه برای خلع سلاح یک خلق اسیر به بهانه نفرت از جنگ به سود استعمار؛
- همکاسه شدن و چریدن با ارتجاع فنودالی و دلال های تکنوکرات بر سر خوان یغمای امپریالیستی؛
- انکار ورزیدن از موقعیت فکری - فلسفی سازمان پیشتاز انقلابی؛
- خود را با افکار عقب گرا و تاریخ زده متجلی ساختن؛
- قدمگاه خود را به عنوان یک سازمان پیشتاز و یا افرادی از آن، گم کردن؛

— به جای با چراغ به جنگ سیاهی رفتن، طشتی از قیر را بر چهره خود مالیدن و در سیاهی ناپدید شدن؛
— تلاش در جهت خلع سلاح فکری سازمان پیشتاز و ناامیدی اعتقادی آن؛
— مسخ کلی عناصر پیشتاز در سازمان انقلابی؛
— تبدیل شدن به عوامل پنهانی استعمار — ارتجاع؛
— با نفی ذات خود و بزرگسازي استعمار و ارتجاع مردم را از نگاه معنوی بی روحیه ساختن؛
— و یا با کلاسیک نامیدن اندیشه ها و سیاست های انقلابی، در بیابان های گرم و سوزان مردم را به دنبال سراب
"اندیشه های تازه" قرن بیست و یکمی سرگردان ساختن؛
— مشاطه گری چهره کریه استعمارگر متجاوز؛
— رامشگری در پسگوشه محفل بزم استعمار — ارتجاع؛
— و تغذیه با خون و گوشت توده های تحت ستم کشور.

این موارد ۲۲ گانه فوق از جمله مظاهر تسلیم طلبی اجتماعی، تسلیم طلبی ملی و عقب نشینی این مطرودان اعلامیه نویس از مواضع مترقی به سود نیرو های ارتجاعی — استعماری، مسخ کلی این انقیاد طلبان و تلاش خائنه برای زدودن مرز تمایز سامای انقلابی با طبقات ارتجاعی و نمایندگان سیاسی شان در زیر چتر حمایتی امپریالیسم اشغالگر، صورت گرفته است. همه این موارد از مصادیق "خیانت تاریخی" و "خیانت ملی" در شکل گذشت از منافع ملی و تاریخی به سود نیرو های کهن تاریخ و استعمار است که طی ۲۲ سال آزرگار در تفکر و عملکرد برده وار این باند منحرف ضد انقلابی و سائر تسلیم طلبان مطرود گروه های دیگر و فعلاً خفته در آغوش حمایت امپریالیسم، برجستگی داشته است. ولی در همه این احوال، به قول دانشمند جانپاز انقلابی زنده یاد «قیوم رهبر» "نتیجه یکی است و آن این که وقتی سازمان پیشتاز [و یا افرادی از آن] از موقعیت فکری خود به نفع استعمار — ارتجاع و یا به نفع نیرو های دیگری که همراه اویند، بگذرد، راه را برای تسلیم در مقابل این نیرو ها باز می کند و نقش تاریخی خود را که همانا واژگونی و ارونگی تاریخ این ملت است، به طور کامل نمی تواند انجام دهد" و انتهایش مگاک تیره ایست که "خیانت ملی" و "خیانت تاریخی" نام دارد.

عدم اعتراف زنان و مردان باند منحرف و مزدور مطرود از "ساما" در پیشگاه عدالت افکار عمومی اعضای این سازمان، ابرام ننگین مفتن خیانت پیشه باند تسلیم طلب مطرود از ساحت "ساما" و صف خلق ستمکش افغانستان بر انحراف، انقیاد طلبی و سجود به پای امپریالیسم اشغالگر، ریختن آب تطهیر بر دستان خون الود آن، دفاع از جسد متلاشی شده و متعفن "نظام جمهوریت" و جدا دانستن جنایات بیکران مزدوران فاشیست طالبی از عامل اساسی ستم بر مردم افغانستان در گذشته و حال (امپریالیسم اشغالگر و هزیمت یافته)، به رغم ۲۲ سال روشنگری و تأکیدات مکرر "سامائی" ها بر مواضع و دیدگاه های ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی این سازمان انقلابی؛ همه و همه، نشان دهنده آنست که این باند تسلیم طلب در تفکر و عمل ضد ملی و ضد انقلابی خود بالاتر از اشتباه، مثل دو طیف تسلیم طلب و منحرف دیگر در گستره جامعه و جنبش انقلابی، مرتکب "خیانت ملی" و "خیانت تاریخی" شده اند و این خیانت به وضوح آشکار است.

در روشنائی تفکر و عملکرد انحرافی، انقیاد طلبانه و خائنه این باند خودفروخته متشکل از دلایان استعمار علیه منافع ملی و منافع تاریخی مردم ستمدیده و دربند افغانستان، تأکید ما بر این است که هر نوع همسویی و تشریک مساعی با این خیانت پیشگان اعلامیه نویس توسط هر کسی دیگر، در حکم اشتراک در خیانت ملی و تاریخی این باند و همسر نوشتن شدن با آنها، معنی می دهد / ادامه دارد